

مشاهیر ناتمام!

درباره رمان‌های شناخته‌شده‌ای که ناقص منتشر شدند

وحید حسینی ایرانی

احتمالاً شما هم جزو آن دسته از کتاب‌خوان‌هایی باشید که از ناتمام ماندن کتابی که مطالعه می‌کنید، خوشتان نیاید. با این حال خیلی از نویسندگان آرزوی تمام کردن نوشته‌ای را با خود به گور برده‌اند یا به علتی رمانی را ناتمام رها کرده‌اند. نگارنده این یادداشت آمار دقیقی درباره تعداد این نویسندگان و مخاطبان ناراضی ایشان ندارد، اما ضمن احترام به حس ناخوشایند مخاطبان، می‌خواهد به عرض برساند که برخی رمان‌های معروف چاپ شده و حتی پرفروش جهان ناقص هستند! در زیر نمونه‌هایی از این کتاب‌ها را نام خواهیم برد.

- داستان جنایی نویسنده‌فقا



چارلز دیکنز، نویسنده بلندآوازه سده نوزدهم انگلیس وخالق رمان‌های مشهور الیور توئیست و آرزوهای بزرگ و جز این‌ها، رمانی به نام «راز ادوین درود»، نوشت که مورد خاصی در آثار او به حساب می‌آید. آقای دیکنز این‌بار به جای نوشتن از اجتماع و فقر و مسائلی از این دست، ماجرای را دستمایه کار خود قرار داده بود که اگرچه وارد اعماق اجتماع می‌شد، نوعی داستان جنایی بود.

رمانی که از جرم و جنایت و مواد مخدر و دخمه و گورستان می‌گفت.

ویژگی دیگر این کار این بود که ناقص ماند. به عبارتی مرگ فرصت اتمام آن را از نویسنده بزرگ گرفت تا بعدها نویسندگانی دیگر بر آن تکمله بنویسند!

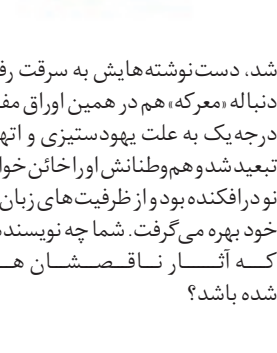
- هیچ رمانی را به پایان نرساند!

یکی دیگر از نویسندگان سرشناس دنیا که کارهایش مدام تجدید چاپ می‌شود و تحلیل‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی را موجب شده، فرانتس کافکا، نویسنده آلمانی زبان چک، است. جالب است بدانید که او علاوه بر داستان‌های کوتاه و بلندش، سه رمان هم نوشته است، اما هیچ‌یک پایان ندارد! در واقع نه «قصر»، کامل است و نه «مخاکمه»، و «آمریکا»، کافکا عمر چندانی نکرد

و در چهل و یک سالگی در گذشت، اما شاید اگر مجال پیدا می‌کرد نیز رمان‌هایش را کامل نمی‌کرد. مروری بر داستان‌های کوتاه و بلندش که فضاهایی تمثیلی یا کابوس‌گونه دارد و همچنین مطالعه شرح حال و زندگی سخت او (داشتن پدر مستبد، بیماری طولانی، شکست‌های عاطفی) می‌تواند توجیه‌کننده بی‌میلی آقای کافکا به ادامه دادن ماجراهای آثار پر حجم یعنی رمان‌هایش باشد!

- بلاهایی که سر آقای سلین آمد

لویی فردینان سلین، پزشک رمان‌نویس بزرگ فرانسوی، هم نویسنده‌ای است که کار ناقصش همچنان چاپ می‌شود. او در کنار رمان‌های مشهور نسبتاً قطوری چون «سفر به انتهای شب، و «مرگ قسطنی»، کتاب کم‌حجمی به نام «معرکه» دارد که ماجراهای یک شب تا صبح عده‌ای نظامی یک سربازخانه را نقل می‌کند. ظاهراً بعد از برخورد‌های تندی که پس از جنگ جهانی دوم با او شد، دست‌نوشته‌هایش به سرقت رفت یا به شکلی ناپدید شد و دنباله «معرکه»، هم در همین اوراق مفقود بوده است. این نویسنده درجه یک به علت یهودستیزی و اتهام گرایش به آلمان حبس و تبعید شد و هم‌وطنانش او را خائن خواندند! نویسنده‌ای که طرخی نورافکنده بود و از ظرفیت‌های زبان مخفی عوام در داستان‌های خود بهره می‌گرفت. شما چه نویسنده‌های دیگری را می‌شناسید که آثار ناقصشان هم دیده و خوانده شده باشد؟



زین مقدم

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

- امروز ایرج را دیدم، اما این دیدار خیلی کوتاه بود. (نادرست X)

در جمله‌های مرکب و قبل از کلمه‌های توضیحی و قیدی مانند: یعنی، مانند، مثلاً: ز پیرا، اما، بنابراین، در نتیجه، از این رو، در این صورت، چنان که، باوجود این، با این حال، با این همه، برای نمونه، در مثل، به فرض و همان طور که، نقطه ویرگول می‌آید.

- امروز ایرج را دیدم؛ اما این دیدار خیلی کوتاه بود. (درست V)

❖ دقت داشته‌باشیم که شرط به کار بردن نقطه ویرگول قبل از کلمه‌های توضیحی این است که قبل از خود نقطه ویرگول، فعل قرار گرفته باشد.

#زین_قندپارس‌ی

کتابخانه کودک و نوجوان «صلح و زندگی» در بولوار وحدت افتتاح شد

عطر کتاب در بافت تخریب‌شده



عکس: نامیونیک/شماره ۱۰

پنجشنبه به همان روال پیش برگزار می‌شود که صبح پنجشنبه دوسه‌ساعت مربیان و تسهیلگرانی می‌آیند با بچه‌ها گفت‌وگو می‌کنند و کتاب می‌خوانند تا آشنایی و نزدیکی کودکان با کتاب اتفاق بیفتد. در درازمدت هم برنامه‌هایی برای پدر و مادرها داریم. مدیر اجرای مؤسسه رسم‌کودکی در مشهد در معرفی این مؤسسه می‌گوید: رسم‌کودکی یک مؤسسه فرهنگی، آموزشی است که فعالیتش را از سال ۹۸ شروع کرد، منتها چون هم‌زمان شد با موضوع کرونا در این مدت خیلی امکان فعالیت حضوری ممکن نبود، اما در همین مدت هم بخش انتشارات مؤسسه فعال شد و دوشماره مجله با عنوان «رسم‌صلح» و یک رمان نوجوان با عنوان «تذکره بادها» به چاپ رسیده است. در کنار این‌ها کلاس‌های آموزشی برای کودکان و نوجوانان و والدین و مربیانی که با کودکان و نوجوانان در ارتباط بوده‌اند برگزار می‌شود. ما در کنار کتابخانه «صلح و زندگی» آن دوره‌های آموزشی را ایجاد می‌کنیم، چه برای بچه‌های آن محل و چه دیگر نقاط شهر.

او در پایان از خانواده‌ها دعوت کرد اهدای کتاب را ادامه دهند تا آن‌ها بتوانند کتابخانه‌ها را گسترش دهند و در مناطق محروم کار کتاب‌رسانی را انجام دهند. محل کتابخانه صلح‌وزندگی، می‌تواند پاتوقی برای جمع‌آوری کتاب‌های اهدایی و مدیریت آن‌ها برای کودکان و نوجوانان مناطق محروم باشد.



فروزانفر را که با حافظه‌ای شدید توأم شده بود از عواملی دانست که سبب می‌شود تکرار شخصیتی مانند فروزانفر اتفاقی نادر باشد. او می‌نویسد: اغلب مردمان خوش‌حافظه‌ای که مادیده‌ایم، از حدود ضبط صوتی تجاوز نمی‌کنند و بیشتر هوشیاران و ذوق‌مندان ما از کمبود حافظه می‌نالند و او این همه استعداد دیرپاب را در کنار هم به وفور داشت. کسانی که نخستین بار با او دیدار می‌کردند و از گفتارهای او بهره‌ور می‌شدند، چنین تصور می‌کردند که او به‌طور اتفاقی این مطالب را از پیش آماده کرده است و در این لحظه عرضه می‌کند، ولی برای آن‌ها که بیشتر واز نزدیک با او دیدار داشتند آشکار بود که این حضور ذهن و قدرت پیوند بخشیدن مسائل گوناگون و استنتاج دقیق و منطقی، حاصل نبوغ شگفت‌آور اوست.

دکتر منوچهر ستوده، از دیگر شاگردان فروزانفر نیز متحیر حافظه استادش بود: من در تمام عمر خود حافظه‌ای به قدرت حافظه فروزانفر ندیدم و شاید بعداً هم نبینم. واقعاً فوق‌العاده بود، به‌ویژه در حفظ اشعار و قصاید بلند نایب بود. مثلاً قصاید هفتاد هشتاد بیتی را بدون اشتباه از حفظ می‌خواند. در یکی از روزهای سال دوم دانشسرا، استاد فروزانفر بدون مقدمه روبه‌ما دانشجویان کرد و گفت: «استاد من ادیب پیشاوری در زمان خودش در حدود صد و پنجاه تا صد و شصت هزار بیت شعر حفظ بود، من که به عنوان استاد شما اینجا هستم اگر به ذهن خودم فشار آورم در حدود پنجاه تا شصت هزار بیت در خاطر دارم. شما دانشجویان تا جایی که دقت کرده‌ام شاید پنج تا شش هزار بیت در حافظه داشته باشید. وای به حال افرادی که زیر دست شما تعلیم یابند.» امروز این اضمحلال فکری را بنده در نسل پس از خود می‌بینم! منظور فروزانفری این بود که هر چه زمان به جلو می‌رود، سیر شعر و ادب فارسی محدودتر می‌شود. امروز که به آن حرف‌ها می‌اندیشم دقیقاً به این باور رسیده‌ام که فروزانفر آن روزها متوجه این افت شده بود.

دکتر بدیع الزمان فروزانفر سال ۱۳۴۶ بازنشسته شد، را بنده در نسل پس از خود می‌بینم! منظور فروزانفری این بود که هر چه زمان به جلو می‌رود، سیر شعر و ادب فارسی محدودتر می‌شود. امروز که به آن حرف‌ها می‌اندیشم دقیقاً به این باور رسیده‌ام که فروزانفر آن روزها متوجه این افت شده بود.

دکتر بدیع الزمان فروزانفر سال ۱۳۴۶ بازنشسته شد، را بنده در نسل پس از خود می‌بینم! منظور فروزانفری این بود که هر چه زمان به جلو می‌رود، سیر شعر و ادب فارسی محدودتر می‌شود. امروز که به آن حرف‌ها می‌اندیشم دقیقاً به این باور رسیده‌ام که فروزانفر آن روزها متوجه این افت شده بود.

پانویشت

برای نوشتن این مطلب از شماره ۸۴ مجله بخارا که ویژه‌نامه استاد بدیع‌الزمان فروزانفر است، استفاده شده است.

که در مجموع همه این کمک‌ها در مدت سه هفته بالای سه هزار کتاب کودک و نوجوان جمع‌آوری شد. خودمان هم از این استقبال و همراهی غافلگیر شدیم و ترجیح دادیم تا فرصت تابستان را از دست ندادیم این کتابخانه را افتتاح کنیم و در ادامه با کمک‌های دیگری که دریافت می‌کنیم اعم از کتاب یا فضای مناسب و وجوه نقدی، این کار را توسعه دهیم و قدم‌های بعدی را برداریم.

باقری بیان می‌کند: البته یک تعداد کتاب‌تکراری هم داشتیم، اما تصمیم گرفتیم این کتاب‌ها و کتاب‌های دیگری که در آینده جمع‌آوری می‌شود به کتابخانه‌های دیگر یا جاهایی که به کتاب احتیاج دارند، بدهیم. از این بیش از سه هزار جلد کتابی که جمع‌آوری شده، حدود ۶۰۰ عنوان کتاب‌های نوجوانان ۱۴ سال به بالا بوده، حدود ۴۰۰ عنوان کتاب‌های ۱۰ تا ۱۴ سال بوده و مابقی کتاب کودک زیر ۱۰ سال است.

- برای توسعه کار ما را همراهی کنید

او درباره برنامه‌های این کتابخانه می‌گوید: فعلاً اولویت را گذاشته‌ایم برای بچه‌های همان منطقه. عضویت در کتابخانه هم رایگان است و می‌توانند کتاب امانت بگیرند. برنامه «کتاب و کلوچه» در روزهای

تسهیلگری شرکت ایجاد فضای لازم برای بازگشت و تثبیت سکونت در بافت اطراف حرم است. بحث آموزش سریع و رایگان را هم در این بخش داریم.

- از حمایت و همراهی مردم غافلگیر شدیم

ستاره باقری، مدیر اجرای مؤسسه رسم‌کودکی در مشهد نیز درباره چگونگی افتتاح این کتابخانه می‌گوید: مکتب‌بافت که فعالیت‌های فرهنگی را آغاز کرده بود برنامه‌ای داشت با عنوان «کتاب و کلوچه»

که برای بچه‌های محل برنامه‌هایی با محور کتاب و کتاب‌خوانی برگزار می‌کرد. وقتی من و دوستانم برای همکاری دعوت شدیم و اشتیاق بچه‌های آن محل را دیدیم و از طرفی متوجه شدیم که از فضاهای فرهنگی دور هستند تصمیم گرفتیم با پیشنهاد مکتب‌بافت کتابخانه‌ای برای آن‌ها راه‌اندازی کنیم.

او از همکاری و مشارکت مردمی، ناشران و کتاب‌فروش‌ها به عنوان نکته‌ای خوب در مسیر راه‌اندازی این کتابخانه یاد می‌کند: با همکاری مؤسسه رسم‌کودکی، فراخوانی در فضاهای مجازی منتشر کردیم که مردم کتاب‌های فرزندانشان که نیاز ندارند به ما اهدا کنند. حرکت از اینجا شروع شد. اما ما از طرف ناشران و کتاب‌فروشی‌ها و گروه‌های مختلف، کتاب و وجوه نقد دریافت کردیم



نگاهی به برخی ویژگی‌ها و خصایل استاد بدیع‌الزمان فروزانفر از زبان

شاگردانش

همیشه استاد

پیکر ادب و فرهنگ ایرانی در نیم قرن اخیر فرود آمد و به قرن‌ها دیگر کسی چون او از مادر نخواهد زاد.

دریغا و بسیار بار دریا که او در بارورترین دوره حیات خویش درگذشت، به هنگامی که سرگرم تهیه‌شاهکار تحقیقات خود (شرح مثنوی مولانا) بود. فروزانفر در معنی دقیق کلمه یکی از نایب روزگار بود.

سیمین دانشور، نویسنده رمان «سوشون» که سال‌ها در دانشگاه تهران سر کلاس فروزانفر نشسته بود و خود را اومدار فصاحت و بلاغت استادش می‌دانست، گفته است: از نظر معلومات و تدریس، استاد فروزانفر بی‌بدیل بود. چیزی در ادبیات فارسی بعد از اسلام نبود که نداند. صدای بم، زبان دری خراسانی و معلومات وسیع او مسحورکننده بود. در هر مقوله‌ای یا در باب هر گروه یا فرقه‌ای که درس می‌داد، خیال می‌کرد خودش جزو آن گروه است که آن قدر درباره‌شان می‌داند. از اخوان الصفا که می‌گفت خیال می‌کردم خودش از اخوان الصفاست. از اسماعیلیه که می‌گفت خیال می‌کردم اسماعیلی است. مولوی که تدریس می‌کرد خیال می‌کردم تازه از فوئیه آمده است. حتی از او پرسیدم: «استاد! شما عارفی؟!» - نه دوشیزه مشکین شیرازی!

مرا به علت پوست سبزدام مشکین خطاب می‌کرد.

- درباب شعر و شاعری

دکتر بدیع الزمان فروزانفر که چهار سال پای درس ادیب نیشابوری، شاعر برجسته، زانو زده بود، طبع شعری هم داشت، اما دل مشغولی نخستش شاعری کردن نبود.

دکتر زرین کوب علت آن را چنین دانسته است: در جوانی، مخصوصاً در اوایل ورود به تهران در زمینه شعر و شاعری هم طبع آزمایی کرده بود. پاره‌ای از اشعارش هم در همان ایام شهرت یافته بود، اما او شاعری را پیشه نکرد. زندگی طفیلی گونه ادیب پیشاوری و زندگی پرتزلزل و مآخضه‌آمیز بهار، ظاهراً عامل عمده‌ای در انصراف او از این کار بود. تدریجاً مثل اغلب کسانی که به عنوان عالم نام‌بردار می‌شوند اشتغال به شاعری را دون شأن خویش می‌یافت. از این رو جز به ندرت و جز به الزام ضرورت، شعر نگفت و از اینکه به شاعری منسوب شود تا حدی ابا داشت.

دکتر شفیعی کدکنی نیز استعداد استادش را در محقق شدن بیش از شاعری می‌داند: شعر را به اسلوب شاعران خراسان در قرن چهارم و پنجم می‌گفت، اما شعر را چندان به جد نمی‌گرفت. خود نیک در یافته بود که استعداد او برای محقق شدن بیش از استعداد او برای شاعر شدن است، می‌گفت ما می‌توانستیم شاعری باشیم، اما به کار تحقیق روی آوردیم.» از این روی شعر، حاشیه و تقنی بود در زندگی او، اما اثرش،

گروه فرهنگ و ادبیات

راه‌اندازی کتابخانه‌ای در

بافت تاریخی اطراف حرم امام رضا^(ع) در بولوار وحدت، از آن اتفاق‌های خوب برای

ساکنان و اهالی آن حوالی است. این کتابخانه کودک و نوجوان با نام «صلح و زندگی» در وحدت ۳/۱، در ساختمان مکتب‌بافت افتتاح شد و بناس‌ت عضویت در آن نیز رایگان باشد.



- ترویج کتاب‌خوانی و آموزش به کودکان دور از مدرسه

رضا سلیمان‌نوری، مسئول مکتب‌بافت، درباره افتتاح این کتابخانه می‌گوید: طی تفاهم‌نامه‌ای میان مدیریت تسهیلگری و مشارکت‌های شرکت عمران و مسکن ثامن و مؤسسه رسم‌زندگی، این کتابخانه افتتاح شده است. دلیل ایجادش هم فضای خاصی است که در محدوده بافت حرم ایجاد شده است. اتفاق‌ها و تخریب‌هایی در بافت تاریخی اطراف حرم رخ داده که باعث شده است تعدادی از کودکان ساکن این منطقه از تحصیل محروم شوند. برخی از این افراد اتباع هستند و بخشی از شهرهای دیگر آمده‌اند و در اینجا ساکن شده‌اند که تعدادی از آن‌ها نیز بدون شناسنامه هستند. از طرف دیگر هیچ کتابخانه‌ای هم در این منطقه نبود، بنابراین تصمیم گرفته شد چنین کتابخانه‌ای راه‌اندازی شود که هم بحث کتاب‌خوانی داشته باشد و هم به نوعی الفبای اولیه زبان فارسی و خواندن و نوشتن را به بچه‌های کم‌سواد و بی‌سواد یاد بدهد. برنامه آموزش‌های کمک تحصیلی هم برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شده است و در این کتابخانه کتاب‌های کمک‌درسی هم داریم.

او راه‌اندازی کتابخانه‌های دیگر در بافت اطراف حرم را از برنامه‌هایی می‌داند که در صورت فراهم شدن مکان مناسب، نسبت به انجام آن اقدام خواهد شد و یادآور می‌شود: یکی از اصلی‌ترین پروژه‌های

مصطفی خادم

یادبود

بدیع الزمان فروزانفر در بشرویه در خانواده‌ای اهل علم متولد شد که نسب آنان به ملا احمد تونی، از علمای معاصر شاه عباس صفوی، می‌رسید.

سال ۱۲۷۶ خورشیدی به دنیا آمد و تا چندین سال در زادگاهش ماند. پس از آن به مشهد آمد و چهار سال در محضر استاد ادیب نیشابوری و دیگر استادان بنام زمان در مشهد آن روزگار آموخت. ادامه تحصیلات را از بیست‌سالگی به بعد در تهران گذراند و برای باقی عمر در این شهر ماند.

او از ابتدای تأسیس دانشگاه تهران، استاد تاریخ ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات و استاد تصوف اسلامی در دانشکده معقول و منقول بود. از سال ۱۳۲۳ رئیس دانشکده معقول و منقول و از ابتدای تأسیس فرهنگستان ایران، عضو آن شد، همچنین عضو شورای عالی معارف (فرهنگ) از سال ۱۳۱۳، عضو فرهنگستان ایران از ابتدای تأسیس، عضو مجلس مؤسسان دوم، عضو مجلس سنا از ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۱ بود. از استاد فروزانفر آثار بسیاری برجا مانده که هم از نظر شمار و هم کیفیت درخور تأمل است. ۳۷ عنوان کتاب (اعم از تألیف، تصحیح و ترجمه)، ۱۰۶ عنوان مقاله و اشارات، ۱۰۷ عنوان شعر که در دیوان فروزانفر چاپ ۱۳۸۲ گردآوری و چاپ شده است و ۴۱ عنوان رساله فوق لیسانس و دکتری که با راهنمایی او به انجام رسیده در کارنامه‌اش ثبت است.

بهترین توصیف و ترسیم شخصیت و ویژگی‌های استادی چون فروزانفر را می‌شود در آثار، نوشته‌ها و کلام شاگردان بنامی که پرورش داده است یافت. باقی این مطلب از زاویه دید شاگردانش به او نگاه کرده‌ایم.

- درباب جایگاه والا و فقدان او برای ادبیات فارسی

دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، از شاگردان بدیع الزمان فروزانفر، جایگاه او را چنین توصیف کرده است: نه فقط در زمینه مثنوی و مولانا، بلکه در تمام قلمرو فرهنگ اسلامی ایران محقق بی‌بدیل بود. هنوز با وجود مروری ربع قرن [این مطلب سال ۱۳۷۵ نوشته شده است.] از غیبت او هر چه امروز نزد ما در زمینه عرفان و ادب جدی و در خور ارج است، میراث اوست و آنچه از حوزه تأثیر تعلیم بلاواسطه یا مع‌الواسطه او خارج است، غالباً از عمق و لطف و تأمل خالی به نظر می‌رسد، حوزه کنجکاوی‌اش وسیع و عرصه استعدادش تقریباً نامحدود بود.

دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی نیز درباره فقدان او بر ادب و فرهنگ نوشته است: بی‌هیچ تردیدی می‌توان گفت با مرگ او بزرگ‌ترین ضربه ممکن بر